

تأثیر مدیریت منابع طبیعی

(از کانال شاخص نهادی حکمرانی) بر شاخص خوشبختی کشورهای منتخب اوپک در مقایسه با نروژ

ابوالفضل شاه‌آبادی^۱

فریبا مهری تلیایی^۲

راضیه داوری کیش^۳

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۴/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۵/۸/۲۰)

چکیده

همه جوامع در مسیر رشد و توسعه، توجه منحصر به فردی بر خوشبختی و کامیابی داشته‌اند که با تمام ارکان زندگی بشر گره خورده است. یکی از عوامل مؤثر بر شاخص خوشبختی منابع طبیعی است که با مدیریت منابع طبیعی و کنترل درآمدهای ارزی حاصل از صادرات منابع طبیعی می‌توان موجبات خوشبختی افراد را تأمین نمود. بنابراین پژوهش حاضر در نظر دارد، به بررسی تأثیر مدیریت منابع طبیعی بر شاخص خوشبختی کشورهای منتخب اوپک در مقایسه با نروژ به عنوان یکی از خوشبخت‌ترین کشورها در جهان طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۱ پردازد. بر طبق آمار منتشره از شاخص خوشبختی ۱۴۲ کشور جهان توسط مؤسسه لگاتوم، به ترتیب امارات متحده

۱- استاد گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، shahabadia@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، fariba.mehry@ymail.com

۳- دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، r.davarikish@gmail.com

عربی (با میانگین رتبه جهانی ۲۴) و عراق (با میانگین رتبه جهانی ۱۳۰) دارای بهترین و ضعیف‌ترین رتبه شاخص خوشبختی هستند و براساس آمار منتشره WDI، طی همین سال‌ها کشور نروژ و امارات متحده عربی به ترتیب دارای بهترین و ضعیف‌ترین مدیریت منابع طبیعی در بین کشورهای منتخب اوپک بوده‌اند، همچنین آمارها بیانگر اختصاص رتبه یک شاخص خوشبختی به نروژ است که این امر بیانگر جایگاه مناسب این کشور در استفاده مناسب از فراوانی منابع طبیعی است و از جایگاه مناسبی در مدیریت منابع طبیعی برخوردار است. بنابراین بر اساس آمار منتشره موسسه لگاتوم و WDI کشورهای منتخب اوپک فاصله زیادی با نروژ دارند. همچنین بررسی ضریب همبستگی بین رتبه شاخص‌های خوشبختی و مدیریت منابع طبیعی در بین کشورهای منتخب اوپک نیز نشان‌دهنده رابطه قوی و منفی است، به طوری که ضریب همبستگی بین رتبه شاخص کلی خوشبختی و مدیریت منابع طبیعی برای کشورهای منتخب اوپک ۰/۹۱ - است.

واژگان کلیدی: شاخص خوشبختی، مؤسسه لگاتوم، مدیریت منابع طبیعی، اوپک، نروژ.

۱. مقدمه

برای انسان، سعادت و خوشبختی هدفی بسیار مهم در زندگی است. انسان‌ها انرژی قابل توجهی را صرف جستجوی خوشبختی و همچنین در صورت رسیدن به خوشبختی، صرف حفظ کردن آن می‌کنند. اهمیت خاصی که خوشبختی به عنوان یک ارزش انسانی داراست، ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر آن را بیشتر آشکار می‌کند، بسیاری از نظریه‌پردازان بیان می‌دارند خوشبختی و کامیابی تنها مربوط به وضعیت مالی نبوده و به کیفیت زندگی بشر نیز بستگی دارد، به همین دلیل شاخص خوشبختی مؤسسه لگاتوم^۱ که خوشبختی را اندازه‌گیری می‌نماید، علاوه بر رشد اقتصادی و انباشت ثروت ملی عوامل دیگری را هم که همبستگی بیشتری با کیفیت بالاتر زندگی انسان‌ها دارد، شامل می‌شود. به بیان دیگر به جز تولید ناخالص داخلی، عوامل دیگری مانند سرمایه اجتماعی، سلامتی، آزادی سیاسی و کیفیت کلی زندگی را نیز در نظر می‌گیرد و بیان

می‌دارد خوشبخت‌ترین ملت‌ها در جهان آنهایی نیستند که لزوماً تولید ناخالص داخلی بالایی دارند بلکه آن کشورهایی هستند که شهروندانی آزاد، شاد و سالم دارند (گزارش شاخص رفاه لگاتوم، ۲۰۱۴).^۱ شاخص خوشبختی از هشت شاخص فرعی اقتصاد^۲، کارآفرینی و فرصت‌ها^۳، حکمرانی^۴، آموزش^۵، سلامت^۶، آزادی شخصی^۷، سرمایه اجتماعی^۸ و ایمنی و امنیت^۹ تشکیل شده است که در طی سال‌ها تحقیق و پژوهش ثابت شده بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. هر کدام از این شاخص‌های فرعی یک بعد اصلی از خوشبختی را نشان می‌دهند و اثر یک مجموعه متغیرها را بر خوشبختی افراد جامعه ارزیابی می‌کنند، لذا شاخص خوشبختی باعث می‌شود تا بتوان اثرات شاخص‌های غیراقتصادی و اقتصادی را بر رضایت از زندگی به دست آورد. منابع طبیعی سرشار در یک کشور به عنوان ثروت ملی یکی از متغیرهای مؤثر بر خوشبختی افراد جامعه است.

در نگاه اول به نظر می‌رسد وفور منابع طبیعی، فرصتی برای خوشبختی محسوب می‌شود؛ اما شواهد چیز دیگری را بیان می‌کند. کشورهای زیادی مشاهده می‌شود که دارای منابع طبیعی سرشار هستند؛ ولی از نظر خوشبختی جایگاه مناسبی ندارند. البته کشورهایی هم هستند که توانسته‌اند از این منابع برای خوشبختی افراد جامعه بهره ببرند. با دقت در ساختار اقتصادی کشورهای غنی از منابع طبیعی همچون کشورهای اوپک می‌توان دریافت که ارزش حاصل از صادرات منابع نفتی و به دنبال آن افزایش ارزش پول ملی و در نتیجه کاهش قدرت رقابتی کالاهای تولید داخل نمی‌تواند تنها علت بدبختی این کشورها باشد، بلکه ضعف شاخص حکمرانی است که موجب اتلاف درآمدهای ارزی حاصل از منابع طبیعی می‌گردد. در حقیقت

۱- Legatum Prosperity Index Report, 2014

۲- Economy

۳- Entrepreneurship and Opportunities

۴- Governance

۵- Education

۶- Health

۷- Personal Freedom

۸- Social Capital

۹- Safety and Security

میزان و اندازه ناکارآیی و بدبختی در این کشورها به کیفیت حکمرانی آنها بستگی دارد، منابع طبیعی با ایجاد فساد، خلق رانت، کشمکش‌های داخلی، نابرابری درآمدی و فقر به غارت برده می‌شوند. در صورتی که کشورهای غنی از منابع طبیعی می‌توانند با مدیریت صحیح منابع طبیعی موجبات خوشبختی افراد جامعه را تأمین کنند. نروژ به عنوان یکی از کشورهای صادرکننده نفت طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۴ براساس مؤسسه لگاتوم یکی از خوشبخت‌ترین کشورها در جهان محسوب می‌شود. در این پژوهش با توجه به اهمیت مدیریت منابع طبیعی و تأثیر آن بر خوشبختی کشورهای نفتی، جامعه آماری کشورهای منتخب عضو اوپک و نروژ در نظر گرفته شده است. لذا در ادامه پس از معرفی شاخص خوشبختی و مدیریت منابع طبیعی به بیان پیشینه تحقیق و تجزیه و تحلیل آماری مدیریت منابع طبیعی^۱ و شاخص خوشبختی کشورهای منتخب اوپک^۲ در مقایسه با کشور نروژ و پس از آن بررسی ضریب همبستگی بین مدیریت منابع طبیعی و شاخص خوشبختی کشورهای منتخب اوپک طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۴ پرداخته، در پایان نیز پس از بیان نتیجه‌گیری، پیشنهاداتی در جهت بهبود شاخص خوشبختی کشورهای منتخب اوپک ارائه می‌گردد.

۲. معرفی شاخص خوشبختی

در ادامه به معرفی ۸ شاخص خوشبختی براساس تعاریف منتشره از مؤسسه لگاتوم می‌پردازیم:

۱-۲. **شاخص اقتصاد (ECO)**^۳: شاخص اقتصاد، عملکرد کشورها را در چهار حوزه کلیدی، سیاست‌های کلان اقتصادی، انتظارات و رضایت اقتصادی، رشد اقتصادی و کارایی بخش مالی که برای افزایش شاخص رفاه اجتماعی و خوشبختی یک کشور لازم است، اندازه می‌گیرد.

۲-۲. **فرصت کارآفرینی (E&O)**^۴: کارآفرینی شامل همه فعالیت‌ها و اقدامات مرتبط با درک و فهم فرصت‌ها و تأسیس سازمانی برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها است که در آن

۱- Management Of Natural Resources(MNR)

۲- کشورهای منتخب در سازمان کشورهای صادرکننده نفت اوپک: امارات متحده عربی، کویت، عربستان سعودی، اکوادور، ونزوئلا، الجزایر، ایران، نیجریه، لیبی و عراق.

۳- Economy

۴- Entrepreneurship & Opportunity

شهروندان ایده‌های جدید را ارائه و فرصتی برای بهبود زندگی‌شان به وجود می‌آورند و منجر به سطوح بالاتر درآمد و رفاه می‌شوند.

۲-۳. **حکمرانی (GOV)^۱**: حکمرانی یکی از ارکان مهم تأمین رفاه و ارتقای کیفیت زندگی افراد محسوب می‌شود که به رابطه بین شهروندان و حکومت کنندگان می‌پردازد.

۲-۴. **سلامت (H)^۲**: بهبود کیفیت زندگی یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست عمومی هر جامعه است که از شاخص‌های محوری بهبود کیفیت زندگی می‌توان به شاخص سلامت اشاره نمود. شاخص سلامت عملکرد کشورها را در سه حوزه، نتایج اصلی سلامت، زیرساخت سلامت و درمان‌های پیشگیرانه، و رضایت از سلامت روحی و جسمی اندازه می‌گیرد.

۲-۵. **آموزش (EDU)^۳**: شاخص آموزش عملکرد کشورها را در سه حوزه، دسترسی به آموزش و پرورش، کیفیت آموزش و سرمایه انسانی بررسی می‌کند. کشوری که شرایط مناسب برای آموزش افراد جامعه خود به نحو مطلوب ارائه دهد و آموزش‌ها بر مبنای استعداد افراد ارائه شود، احساس رضایت و خوشبختی بیشتری را به جامعه می‌دهد.

۲-۶. **آزادی شخصی (PF)^۴**: شاخص آزادی شخصی عملکرد و پیشرفت کشورها را در تضمین آزادی فردی و تشویق تحمل اجتماعی بررسی می‌کند. بدون شک، آزادی از بزرگترین نعمت‌های زندگی و از گرانبهاترین سرمایه‌های سعادت مادی و معنوی انسان و موجب خوشبختی است.

۲-۷. **سرمایه اجتماعی (SC)^۵**: امروزه میزان برخورداری فرد از سرمایه اجتماعی و جایگاه فرد در شبکه‌های گوناگون اجتماعی، میزان بهره‌مندی او از کیفیت زندگی مطلوب را مشخص می‌سازد. در اقتصاد دانش محور، تولید، توزیع و کاربرد دانش، عامل محرکه اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در همه فعالیت‌های اقتصادی است. سرمایه اجتماعی با نقشی که در تسهیل همکاری داشته، سهم قابل توجهی در تولید علم دارد؛ زیرا در عصر حاضر، علم و

۱- Governance

۲- Health

۳- Education

۴- Personal Freedom

۵- Social Capital

فناوری بیش از هر دوره دیگری از خصلت‌های تاریخی خود یعنی تصادفی بودن و انفرادی بودن فاصله گرفته و به پدیده‌هایی جمعی تبدیل شده‌اند.

۲-۸. امنیت (SS)^۱: انسان همواره دغدغه خوشبختی و سعادت دارد. تفسیری که از این کلمه از سوی همه فرهیختگان شده، بیانگر آن است که اگر برای انسان انگیزه‌های حرکتی متعددی فرض شود که به عنوان اهداف و مقاصد وی مورد نظر است، دو امر امنیت و آسایش سرلوحه این اهداف و مقاصد است.

۳. معرفی شاخص مدیریت منابع طبیعی

شاخص مدیریت منابع طبیعی یک شاخص ترکیبی از شاخص حکمرانی و وفور منابع طبیعی است. وفور منابع طبیعی حاصل نسبت صادرات انرژی به کل صادرات یک کشور و شاخص حکمرانی مجموع زیر شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کارایی دولت و کیفیت قوانین و مقررات است. لذا درک مفهوم مدیریت منابع طبیعی مستلزم آشنایی با زیرشاخص‌های حکمرانی است، بنابراین در ادامه به تشریح زیرشاخص‌های حکمرانی پرداخته شده است:

۳-۱. شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی: این شاخص بیانگر مفهوم‌هایی مانند: حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه‌های اجتماعی، فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و... است که با عنوان شاخص دموکراسی از آن یاد می‌کنیم.

۳-۲. ثبات سیاسی: این شاخص به معنای آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد.

۳-۳. کنترل فساد: تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد عبارت است از: سوء استفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی؛ به طور مثال پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج‌گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی، این شاخص مفهوم‌هایی مانند فساد در میان مقامات

رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و... را اندازه‌گیری می‌کند.

۳-۴. حاکمیت قانون: اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم-های سازمان‌یافته، احتمال کامیابی در شکایت علیه دولت از جمله مؤلفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون هستند.

۳-۵. کارایی دولت: کارایی یا اثربخشی دولت با سیاست‌گذاری و اجرا به وسیله دولت برای حمایت نظام بازار مورد توجه واقع شده، همچنین به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخ-گویی و شفافیت اشاره می‌کند. افزون بر آن کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می‌کند (عاصم- اوغلو، ۲۰۰۴).

۳-۶. کیفیت قوانین و مقررات: منظور از این شاخص، توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات و نظام‌هایی است که موجب گسترش نفوذ و دامنه فعالیت‌های بخش خصوصی می‌گردد.

۴. پیشینه تحقیق

مدیریت ضعیف منابع طبیعی منجر به عدم شکل‌گیری و تخریب سایر شقوق سرمایه (سرمایه انسانی و فیزیکی و...) می‌شود و با بهم زدن بازار انواع سرمایه بویژه سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی و سرمایه تحقیق و توسعه، بسترهای رشد و توسعه اقتصادی و رفاه و خوشبختی جوامع را دچار چالش می‌سازد و منجر به کاهش خوشبختی افراد جامعه می‌گردد. چراکه با مدیریت ضعیف و فور منابع طبیعی و آسیب زدن به بستر فعالیت‌های اقتصادی، تولید داخلی و سرمایه-گذاری کاهش پیدا می‌کند و همین امر باعث کاهش قیمت نسبی و بهره‌وری سرمایه فیزیکی در مقابل نیروی کار می‌گردد. همچنین با افزایش عرضه سرمایه انسانی با ارزش حاصله از صادرات منابع طبیعی، در صورت عدم هماهنگی مابین سیاست‌های سمت تقاضا و عرضه و فقدان تقاضا سرمایه انسانی این بازار نیز با عدم تعادل مواجه می‌گردد و در نهایت منجر به نابرابری در آمد و بدبختی افراد جامعه می‌شود، در صورتی که با مدیریت صحیح منابع طبیعی و ایجاد تعادل در

بازار سرمایه می‌توان موجبات خوشبختی افراد جامعه را فراهم نمود. اقتصاد بوتان یکی از کوچکترین اقتصادهای جهان است، با این وجود با بهبود مدیریت منابع طبیعی به توسعه و خوشبختی رسید، در واقع توسعه منحصر به فرد بوتان یک درس به جامعه بین‌المللی می‌دهد که چگونه می‌توان به بازکردن مرزها و درگیر شدن با جامعه بین‌المللی پرداخت در حالی که هنوز به حفاظت از میراث طبیعی و محیط بکر و به کارگیری منابع طبیعی در جهت توسعه نپرداخته- اند (براون و برد، ۲۰۱۱). در واقع مدیریت صحیح منابع طبیعی به ایجاد مزیت نسبی اکتسابی، گسترش بازار عوامل جدید تولید، استفاده مطلوب از ظرفیت‌های بالقوه جامعه و ایجاد فراوانی از ابعاد مختلف و در نهایت بسترسازی جهت خوشبختی افراد جامعه را فراهم می‌کند. در مقابل مدیریت نادرست منابع طبیعی نیز مانع ایجاد انگیزه جهت کسب مزیت‌های نسبی جدید و... می‌گردد که آسیب جدی به خوشبختی وارد می‌کند، لذا ضرورت دارد به بررسی شاخص‌های خوشبختی با مدیریت منابع پردازیم.

آنشاسی و کاتسایتی (۲۰۱۵)^۱، الف: به بررسی تأثیر وفور منابع طبیعی بر سلامت به عنوان یکی از شاخص‌های خوشبختی ۱۱۸ کشور طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۰ می‌پردازند و نتایج تخمین حاکی از این است که هیچ شواهد قانع‌کننده‌ای در حمایت از اثر منفی منابع طبیعی در هزینه‌های بهداشت و درمان وجود ندارد، در مقابل افزایش صادرات کشاورزی منجر به افزایش هزینه‌های بهداشت و درمان و امید به زندگی بالاتر می‌شود.

ب: به بررسی تأثیر حکمرانی و سیاست مالی بر منابع طبیعی ۷۹ کشور دارای منابع و غیر منابع طبیعی طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۸۴ می‌پردازند و نتایج تخمین حاکی از همان ارتباط قوی بین منابع طبیعی، فساد و عملکرد اقتصادی است. بهبود کیفیت نهادها و شفافیت در سیاست‌های مالی نیز از مسائل مهم در کشورهای دارای منابع طبیعی است که منجر به رشد اقتصادی باثبات و مستمر می‌گردد.

بران (۲۰۱۴)^۲ به بررسی تأثیر حکمرانی و سرمایه‌گذاری بر مدیریت منابع طبیعی کشورهای توسعه‌یافته و کمتر توسعه یافته طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۷۰ پرداخته و براساس نتایج تجزیه و تحلیل

۱- A. A. E. Anshasy & M. S. Katsaiti

۲- F. Bran

بیان می‌دارد، حکمرانی خوب از مؤلفه‌های مهم در مدیریت منابع طبیعی است که با تأثیر بر بهره‌برداری منابع طبیعی منجر به افزایش فرصت‌های کسب و کار و رشد اقتصادی باثبات و مستمر می‌گردد.

تسانی (۲۰۱۳)^۱ به بررسی تأثیر منابع طبیعی بر حکمرانی و کیفیت نهادی کشورهای غنی از منابع طبیعی طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۷ می‌پردازد. نتایج تجزیه و تحلیل حاکی از این که درآمدهای حاصل از منابع طبیعی منجر به بهبود کیفیت نهادها شده و شاخص نفرین منابع نیز با تأثیر بر حکومت و کیفیت نهادی در سیاست‌گذاری‌ها نقش اساسی دارد و ابزار مهمی در دست سیاستگذاران برای دستیابی به حکمرانی خوب و کیفیت نهادی است.

زینالوو (۲۰۱۳)^۲ به بررسی تأثیر حکمرانی به عنوان یک نیروی محرک اصلی در رابطه مثبت بین منابع طبیعی و رشد اقتصادی با ثبات و مستمر کشوری غنی از منابع طبیعی طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ پرداخته و براساس نتایج تخمین بیان می‌دارد، اظهار نظر عمومی یا پاسخگویی، ثبات سیاسی، مقررات خوب و سیاست‌های ضد فساد منجر به رابطه مثبت بین غنای منابع طبیعی و توسعه اقتصادی می‌شود. بنابراین کشورهای غنی از منابع طبیعی با ایجاد حکمرانی خوب می‌توانند زمینه را برای توسعه اقتصادی پایدار فراهم نمایند.

لیبمن (۲۰۱۳)^۳ به بررسی تأثیر تفاوت‌های سیاسی محلی به عنوان یک نیروی محرک اصلی در رابطه مثبت بین منابع طبیعی و رشد اقتصادی مناطق روسیه طی دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۰ پرداخته و براساس نتایج تخمین بیان می‌دارد، منابع طبیعی تنها در مناطق با سیستم‌های سیاسی غیردموکراتیک که بورکراسی کارآمد و غیرفاسد دارند، منجر به رشد اقتصادی می‌گردد.

سارابی و همکاران (۲۰۱۱)^۴، به بررسی تأثیر فساد بر فرصت کارآفرینی در ۱۷۶ کشور جهان طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۱۰ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد فساد تأثیر منفی و معنادار بر فرصت کارآفرینی دارد. در واقع در محیط‌های فاسد کارآفرینان بالقوه به جای اینکه زمان خود را صرف نوآوری و فعالیت‌های کارآفرینی مولد کنند، صرف لابی و رشوه دادن به مأموران حکومتی می‌-

۱- S. Tsani

۲- A. Zeynalov

۳- A. Libman

۴- E. Sarabi et al

کنند.

کرمی و همکاران (۲۰۱۰)^۱، به بررسی رابطه فراوانی منابع طبیعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در دو گروه کشور (کشورهای با صادرات عمده نفت و دیگر صادرکنندگان نفت) طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۷۰ می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری فیزیکی و باز بودن رابطه مثبت با رشد اقتصادی دارد اما فراوانی منابع طبیعی و مخارج دولت تأثیر معکوس بر رشد دارد. همچنین سرمایه انسانی در گروه کشورهای صادرکننده عمده نفت تأثیر منفی و در دیگر کشورها تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. در نتیجه علت اصلی رشد کند کشورهای غنی از لحاظ منابع طبیعی می‌تواند سرمایه انسانی باشد. علت رابطه منفی سرمایه انسانی و رشد اقتصادی می‌تواند استفاده نامناسب این کشورها از منابع طبیعی باشد.

اوت (۲۰۱۰)^۲ به بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و حس خوشبختی و شادی در ۱۲۷ ملل منتخب در سال ۲۰۰۶ پرداخته و براساس یافته‌های پژوهش بیان می‌دارد، کشورهایی که در آن حکمرانی خوب پابرجاست افراد جامعه بیشتر احساس خوشبختی می‌نمایند و تأثیر کیفیت حاکمیت و اثربخشی دولت بر شادی و کیفیت زندگی افراد جامعه نسبت به اندازه دولت بیشتر است.

تگلر و همکاران (۲۰۰۸)^۳، به بررسی تأثیر فساد و حق اظهار نظر و پاسخگویی بر تلاش‌های مالیاتی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای با درآمد بالا مثل آمریکا و دیگر کشورهای لاتین طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۹۹ می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد دولت مشروع و پاسخگو در کشورهای در حال توسعه برای یک سطح مناسب‌تر تلاش‌های مالیاتی ضروری است و در کشورهای فقیر بهبود نهادهای حکومتی به منظور استفاده بهتر از نفت بسیار عملی‌تر است تا اینکه توصیه کنیم مالیات‌های خود را افزایش دهند. نهادهای حکومتی بهتر به تنظیم مجدد نعمت منابع طبیعی منجر می‌شوند. بهبود حق اظهار نظر و پاسخگویی و فساد اگرچه به زمان بیشتری لازم دارد اما لزوماً سخت‌تر از تغییر فرصت‌های مالیاتی و ساختار اقتصادی نیست.

۱- A. Karami et al

۲- J. C. Ottv

۳- B. Torgler et al

پاپیراکس و گرجلاچ (۲۰۰۷)^۱ به بررسی اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۰ می‌پردازند. نتایج تخمین حاکی از این‌که وفور منابع طبیعی با کاهش سرمایه‌گذاری، تحصیل، باز بودن مخارج تحقیق و توسعه و افزایش فساد منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود، به عبارت دیگر وفور منابع طبیعی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد. فالکینجر و گروسمن (۲۰۰۵)^۲ به بررسی تأثیر توزیع منابع طبیعی بر سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و رشد اقتصادی کشورهای در حال گذار و آمریکا طی دوره ۱۹۳۰-۱۸۸۰ پرداخته و براساس نتایج تخمین بیان می‌دارند، تغییر قدرت سیاسی از صاحبان منابع به نخبگان کارآفرین منجر به افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری کارآفرینی و پیشرفت بهره‌وری و در نهایت توسعه اقتصادی می‌شود.

شاه‌آبادی و صادقی (۱۳۹۲) به مقایسه اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی ایران و نروژ طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۷۰ پرداختند و نتایج نشان می‌دهد منابع طبیعی در ذات خود در کوتاه مدت و بلندمدت مانعی برای رشد اقتصادی این کشورها نیست. هم‌چنین آزادی اقتصادی و سرمایه‌انسانی نیز در هر دو کشور ایران و نروژ در کوتاه مدت و بلندمدت، اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارند.

پورجوان و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده نفتی و صنعتی در بازه زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۶ می‌پردازند. نتایج تخمین بیان می‌دارد، صادرات منابع طبیعی بر شاخص حکمرانی، کیفیت مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد در کشورهای برگزیده نفتی اثر منفی دارد. از این رو به نظر می‌رسد افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات منابع طبیعی در کشورهای نفتی مورد بررسی موجب کاهش پاسخگویی و شفافیت، چرخش مداوم سیاست‌های اقتصادی، گسترش رانت‌جویی، فساد و اقتدارگرایی و تأخیر در نیل به اهداف توسعه اقتصادی خواهد شد.

بهبودی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی ایران طی دوره ۸۶-۱۳۵۵ پرداختند. نتایج تخمین حاکی از این‌که درآمدهای نفتی به عنوان شاخص وفور منابع

۱- E. Papyrakis & R. Gerlagh

۲- J. Falkinger & V. Grossmann

طبیعی دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی است. همچنین تولید ناخالص داخلی سرانه، تأثیر مثبت بر سرمایه اجتماعی ایران دارد.

شایان ذکر است گرچه مطالعات گسترده‌ای در خصوص شاخص خوشبختی و عوامل مؤثر بر آن صورت گرفته است ولی تاکنون مطالعه جامع و کاملی در خصوص تأثیرگذاری مدیریت منابع طبیعی بر شاخص خوشبختی کشورهای اوپک در مقایسه با نروژ انجام نشده است. با مرور مطالعات انجام شده می‌توان دریافت وفور منابع طبیعی فی‌نفسه نه می‌تواند خوب باشد و نه می‌تواند بد باشد؛ چرا که وفور منابع طبیعی می‌تواند منجر به افزایش صادرات و افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه سلامت شود و موجبات خوشبختی کشورها را فراهم نماید، و هم می‌تواند با ایجاد فساد و رانت و همچنین تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی و کاهش فرصت‌های کارآفرینانه، خوشبختی کشورها را تهدید نماید و تنها با مدیریت صحیح منابع می‌توان از درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی در جهت خوشبختی جوامع گام برداشت.

۵. تجزیه و تحلیل آماری

در این قسمت به تجزیه و تحلیل آماری اجزای شاخص خوشبختی در ارتباط با شاخص مدیریت منابع طبیعی در کشورهای منتخب عضو اوپک در مقایسه با نروژ می‌پردازیم.

نتایج حاصل از وضعیت شاخص اقتصاد کشورهای منتخب عضو اوپک در جدول (۱) بیانگر آن است، امارات متحده عربی و لیبی به ترتیب با میانگین رتبه شاخص اقتصاد ۱۶ و ۱۳۰ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۱ دارای بالاترین و پایین‌ترین میانگین رتبه هستند. همچنین براساس جدول (۱)، نروژ دارای میانگین رتبه ۲ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه ۲۰۱۴-۲۰۱۱ می‌باشد و میانگین رتبه اوپک ۷۶ در شاخص اقتصادی است.

نتایج حاصل از وضعیت شاخص فرصت کارآفرینی کشورهای منتخب عضو اوپک در جدول (۱) بیانگر آن است، امارات متحده عربی و عراق به ترتیب با میانگین رتبه شاخص فرصت کارآفرینی ۲۲ و ۱۳۲ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۱ دارای بالاترین و پایین‌ترین میانگین رتبه هستند. همچنین براساس جدول (۱)، نروژ دارای میانگین رتبه ۶ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه ۲۰۱۴-۲۰۱۱ است و در حالی که اوپک دارای میانگین رتبه ۷۷ در شاخص فرصت کارآفرینی است.

نتایج حاصل از وضعیت شاخص سلامت کشورهای منتخب عضو اوپک در جدول (۱) بیانگر آن

است، امارات متحده عربی و لیبی به ترتیب با میانگین رتبه شاخص سلامت ۳۴ و ۱۲۹ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۱ دارای بالاترین و پایین‌ترین میانگین رتبه هستند. همچنین براساس جدول (۱)، نروژ دارای میانگین رتبه ۴ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه ۲۰۱۴-۲۰۱۱ می‌باشد و میانگین رتبه اوپک ۶۹ در شاخص سلامت است.

نتایج حاصل از وضعیت شاخص آزادی شخصی کشورهای منتخب عضو اوپک در جدول (۱) بیانگر آن است، اکوادور و عراق به ترتیب با میانگین رتبه شاخص آزادی شخصی ۴۵ و ۱۲۷ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۱ دارای بالاترین و پایین‌ترین میانگین رتبه هستند. همچنین براساس جدول (۱)، نروژ دارای میانگین رتبه ۳ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه ۲۰۱۴-۲۰۱۱ است و میانگین رتبه اوپک ۱۰۶ در شاخص آزادی شخصی می‌باشد که بیانگر مدیریت صحیح نروژ در منابع طبیعی خدادادی در جهت ایجاد آزادی شخصی است.

نتایج حاصل از وضعیت شاخص آموزش کشورهای منتخب عضو اوپک در جدول (۱) بیانگر آن است، امارات متحده عربی و عراق به ترتیب با میانگین رتبه شاخص آموزش ۳۸ و ۱۳۰ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۱ دارای بالاترین و پایین‌ترین میانگین رتبه هستند. همچنین براساس جدول (۱)، نروژ دارای میانگین رتبه ۵ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه ۲۰۱۴-۲۰۱۱ است و میانگین رتبه اوپک ۷۳ در شاخص آموزش است.

نتایج حاصل از وضعیت شاخص امنیت کشورهای منتخب عضو اوپک در جدول (۱) بیانگر آن است، امارات متحده عربی و عراق به ترتیب با میانگین رتبه شاخص امنیت ۲۴ و ۱۲۸ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۱ دارای بالاترین و پایین‌ترین میانگین رتبه هستند. همچنین براساس جدول (۱)، نروژ دارای میانگین رتبه ۴ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه ۲۰۱۴-۲۰۱۱ است و میانگین رتبه اوپک ۸۹ در شاخص امنیت است.

نتایج حاصل از وضعیت شاخص سرمایه اجتماعی کشورهای منتخب عضو اوپک در جدول (۱) بیانگر آن است، عربستان سعودی و ایران به ترتیب با میانگین رتبه شاخص سرمایه اجتماعی ۲۸ و ۱۱۵ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۱ دارای بالاترین و پایین‌ترین میانگین رتبه هستند. همچنین براساس جدول (۱)، نروژ دارای میانگین رتبه ۱ در بین ۱۴۲ کشور جهان طی بازه ۲۰۱۴-۲۰۱۱ است و میانگین رتبه اوپک ۸۰ در شاخص سرمایه اجتماعی است.

در مجموع می‌توان گفت؛ همانطور که نمودار (۱) و جدول (۲) نیز نشان می‌دهد در میان

کشورهای منتخب عضو اوپک امارات متحده عربی بهترین مدیریت منابع طبیعی را داشته است و بعد از آن به ترتیب کویت، عربستان سعودی، اکوادور و ایران در وضعیت بهتری قرار دارند. همچنین لیبی، عراق، ونزوئلا و نیجریه در این شاخص وضعیت نامناسبی دارند. همانطور که ملاحظه می‌گردد به ترتیب امارات متحده عربی، کویت، عربستان سعودی و اکوادور بهترین رتبه شاخص خوشبختی را دارا می‌باشند، همچنین عراق، لیبی، نیجریه و ایران ضعیف‌ترین رتبه شاخص خوشبختی را دارند. عراق به عنوان ضعیف‌ترین عملکرد در شاخص خوشبختی بیشترین وفور منابع طبیعی طی دوره مورد مطالعه داشته است و طی همین دوره بدترین شاخص مدیریت منابع طبیعی مربوط به این کشور است که نشان از ارتباط قوی بین مدیریت منابع طبیعی و شاخص خوشبختی است. بنابراین اگر این کشورها منابع طبیعی را به نحو مطلوب مدیریت نمایند، می‌توانند از این نعمت خدادادی در جهت خوشبختی افراد جامعه بهره ببرند، چنانچه کویت با جایگاه بالای خود در وفور منابع طبیعی و همچنین وضعیت مناسب مدیریت منابع طبیعی توانسته است رتبه دوم را در شاخص خوشبختی بین کشورهای منتخب عضو اوپک به دست آورد.

جدول (۱) میانگین رتبه مؤلفه‌های خوشبختی کشورهای منتخب عضو اوپک در مقایسه با نروژ (طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۱)

شاخص‌ها کشورها	اقتصاد	فرصت کارآفرینی	حکمرانی	سلامت	آموزش	آزادی شخصی	سرمایه اجتماعی	امنیت
	ECO	E&O	GOV	H	EDU	PF	SC	SS
نروژ NOR	۲	۶	۱۱	۴	۵	۳	۱	۴
امارات ARE	۱۶ ^(۱)	۲۲	۳۵	۳۴	۳۸	۵۴	۴۱	۲۴
		(۱)	(۱)	(۱)	(۱)	(۲)	(۲)	(۱)
کویت KWT	۱۹	۲۹	۴۱	۳۸	۴۹	۶۸	۵۶	۳۲
	(۲)	(۲)	(۲)	(۲)	(۲)	(۳)	(۳)	(۲)

امنیت SS	سرمایه اجتماعی SC	آزادی شخصی PF	آموزش EDU	سلامت H	حکمرانی GOV	فرصت کار آفرینی E&O	اقتصاد ECO	شاخص‌ها کشورها
۷۹ (۳)	۲۸ (۱)	۱۲۲ (۹)	۵۱ (۳)	۴۵ (۳)	۵۱ (۳)	۴۲ (۳)	۲۸ (۳)	عربستان SAU
۹۶ (۴)	۱۱۲ (۸)	۴۵ (۱)	۶۸ (۶)	۸۰ (۷)	۱۰۳ (۴)	۷۰ (۴)	۵۶ (۴)	اکوادور ECU
۹۹ (۵)	۷۷ (۴)	۹۳ (۴)	۵۹ (۴)	۶۷ (۵)	۱۱۷ (۶)	۷۴ (۵)	۶۱ (۵)	ونزوئلا VWN
۱۰۳ (۶)	۹۶ (۷)	۱۲۱ (۷)	۶۶ (۵)	۷۳ (۶)	۱۰۹ (۵)	۹۴ (۶)	۶۸ (۶)	الجزایر DZA
۱۲۵ (۸)	۷۹ (۶)	۹۵ (۵)	۱۱۹ (۷)	۱۱۹ (۹)	۱۲۳ (۸)	۱۰۵ (۸)	۱۰۷ (۸)	نیجریه NGA
۱۲۷ (۹)	۷۸ (۵)	۹۹ (۶)	۱۲۱ (۸)	۱۲۹ (۱۰)	۱۲۹ (۹)	۱۲۳ (۹)	۱۳۰ (۱۰)	لیبی LBY
۱۲۸ (۱۰)	۱۱۴ (۹)	۱۲۷ (۱۰)	۱۳۰ (۹)	۱۱۲ (۸)	۱۳۳ (۱۰)	۱۳۲ (۱۰)	۱۰۳ (۷)	عراق IRQ
۱۱۸ (۷)	۱۱۵ (۱۰)	۱۲۱ (۸)	۵۹ (۴)	۶۲ (۴)	۱۱۸ (۷)	۹۷ (۷)	۱۱۴ (۹)	ایران IRN
۸۹	۸۰	۱۰۶	۷۳	۶۹	۸۶	۷۷	۷۶	اوپک OPEC

* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه گروه‌های کشورهای اوپک است.

مأخذ: گزارش لگاتوم شاخص خوشبختی ۲۰۱۴-۲۰۱۱

جدول (۲) - میانگین رتبه مدیریت منابع طبیعی کشورهای منتخب اوپک
در مقایسه با نروژ (طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۴)

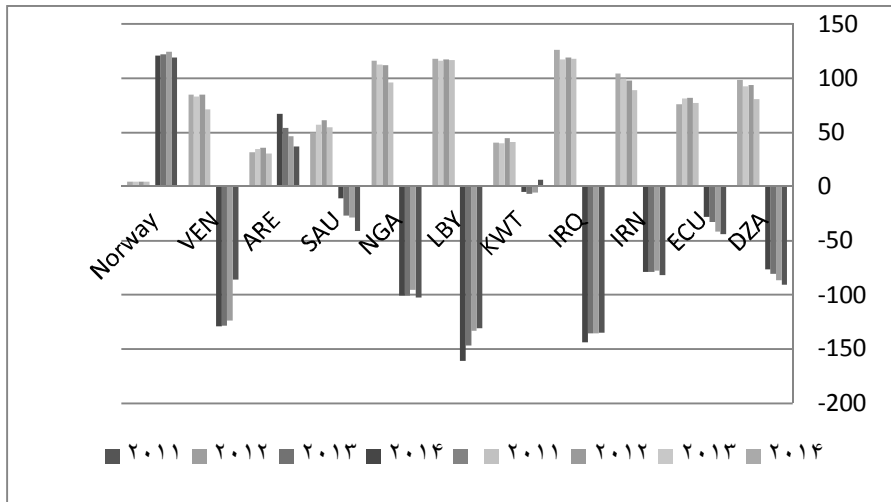
میانگین ۲۰۱۱-۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	شاخص‌ها کشورها
۱۲۰/۳۰	۱۱۴/۷۵	۱۲۲/۱۱	۱۲۴/۵۵	۱۱۹/۳۷	نروژ NOR
۵۱/۱۱ (۱)	۶۷/۱۸	۵۴/۱۷	۴۶/۱۸	۳۶/۹۲	امارات ARE
-۲/۸۳ (۲)	-۴/۹۷	-۶/۷۹	-۵/۸۰	۶/۲۴	کویت KWT
-۲۶/۸۵ (۳)	-۱۰/۶۱	-۲۶/۷۸	-۲۸/۸۱	-۴۱/۲۱	عربستان SAU
-۳۶/۵۸ (۴)	-۲۷/۹۳	-۳۲/۹۸	-۴۱/۴۶	-۴۳/۹۵	اکوادور ECU
-۱۱۶/۷۵ (۸)	-۱۲۹/۱۴	-۱۲۸/۱۸	-۱۲۳/۸۸	-۸۵/۸۰	ونزوئلا VWN
-۸۳/۳۹ (۶)	-۷۶/۲۲	-۸۰/۷۴	-۸۶/۳۰	-۹۰/۴۲	الجزایر DZA
-۹۹/۸۸ (۷)	-۱۰۰/۹۲	-۱۰۰/۶۷	-۹۵/۵۷	-۱۰۲/۳۸	نیجریه NGA
-۱۴۲/۳۷ (۱۰)	-۱۵۹/۰۹	-۱۴۶/۴۵	-۱۳۳/۰۳	-۱۳۰/۹۲	لیبی LBY
-۱۴۰/۵۵	-۱۵۵/۹۰	-۱۳۵/۳۶	-۱۳۵/۷۴	-۱۳۵/۱۸	عراق

شاخص‌ها کشورها	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	میانگین ۲۰۱۱-۲۰۱۴
ایران IRN	-۸۱/۸۲	-۷۷/۴۰	-۷۸/۹۰	-۷۸/۵۶	-۷۹/۱۷
اوپک OPEC	-۶۶/۸۵	-۶۸/۱۷	-۶۸/۲۷	-۶۷/۶۲	-۶۷/۷۳
IRQ					(۹)

* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه گروه‌های کشورهای اوپک است.

مأخذ: WDI

نمودار (۱) - میانگین رتبه شاخص خوشبختی و مدیریت منابع طبیعی کشورهای منتخب اوپک
(در مقایسه با نروژ طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۴)



مأخذ: www.wdi.org و گزارش لگاتوم شاخص خوشبختی ۲۰۱۱-۲۰۱۴

* از سمت راست نمودار میله‌ای اول هر کشور بیانگر مدیریت منابع طبیعی آن کشور و نمودار میله‌ای دوم هر کشور بیانگر میانگین رتبه شاخص خوشبختی آن کشور است.

۶. ضریب همبستگی بین مدیریت منابع طبیعی و اجزای شاخص خوشبختی

در این بخش به بررسی رابطه مدیریت منابع طبیعی و مؤلفه‌های شاخص خوشبختی با استفاده از محاسبه ضریب همبستگی پرداخته می‌شود. ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان همبستگی خطی بین آن‌ها را نشان می‌دهد، همچنین این ضریب می‌تواند مثبت یا منفی باشد و مقدار آن از ۱- تا ۱+ تغییر می‌کند. هرچه ضریب همبستگی به ۱- و ۱+ نزدیکتر باشد، میزان همبستگی قوی‌تر است. لازم به یادآوری است در پژوهش حاضر ضریب همبستگی بین میزان مدیریت منابع طبیعی و رتبه کشورها در شاخص خوشبختی محاسبه گردیده است. بنابراین ضریب همبستگی منفی به این معنی است که بهبود (افزایش) مدیریت منابع طبیعی منجر به کاهش رتبه کشورها در شاخص خوشبختی می‌شود و کاهش رتبه با توجه به ماهیت آن به معنی بهبود وضعیت خوشبختی است و بالعکس.

۶-۱. ارتباط مدیریت منابع طبیعی با شاخص اقتصادی خوشبختی

اثر منابع طبیعی بر رشد اقتصادی و خوشبختی افراد جامعه بستگی به کیفیت نهادها در کشور دارد. اکثر مطالعات نشان می‌دهد، در کشورهای غنی از منابع طبیعی وجود نهادهای خوب می‌تواند موجب بهبود خوشبختی ملت‌ها گردد و اثر منابع طبیعی بر رشد اقتصادی مستمر و باثبات را مثبت نماید. به بیان دیگر تجارب کشورهای دارای منابع طبیعی در زمینه اقتصاد نشان می‌دهد، در برخی کشورها وجود منابع فراوان، بهبود عملکرد اقتصادی را در پی داشته و در برخی دیگر وضعیت اقتصادی را بدتر کرده است که این امر به مدیریت منابع طبیعی برمی‌گردد. آندرسون و آسلاکسن^۱ (۲۰۰۸) در یک مطالعه بین ۹۰ کشور نشان می‌دهند اثر نفرین منابع طبیعی در کشورهایی با حکمرانی ضعیف به دلیل عدم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، رانت‌جویی را بیشتر در کشور ترویج می‌دهند. به بیان دیگر می‌توان دریافت، ماهیت سیستم‌های مبتنی بر قانون اساسی اهمیت بیشتری به منابع طبیعی و رشد اقتصادی می‌دهند و دموکراتیک‌تر هستند. ضریب همبستگی ۰/۸۸۳۷- در جدول (۳) نیز نشان‌دهنده رابطه منفی و قوی بین مدیریت منابع طبیعی و رتبه شاخص اقتصاد است که تأییدکننده این موضوع است. به عبارت دیگر این کشورها همانند نورژ می‌توانند با بهبود مدیریت منابع طبیعی عملکرد اقتصاد بهتری داشته باشند و می‌توانند در

جهت خوشبختی افراد جامعه از توسعه اقتصادی بهره ببرند.

۲-۶. ارتباط مدیریت منابع طبیعی با شاخص فرصت کارآفرینی

در کشورهای غنی از منابع طبیعی، ثروت بادآورده از صادرات منابع طبیعی باعث افزایش قدرت و هزینه دولت و در پس آن افزایش بخش عمومی در اقتصاد شده و زمینه را برای ایجاد شغل‌های ناکارآمد و سوبسیدهای غیرکارا فراهم می‌آورد و این امر با مسئولیت‌پذیری پایین و قدرت پاسخگویی دولت نسبت به مردم نیز تشدید خواهد شد. کارآفرینان با این شرایط انگیزه خود را برای فعالیت در بخش تولیدی از دست داده و با رانت‌جویی در جهت کاهش اشتغال و کاهش رفاه و خوشبختی افراد جامعه تشویق می‌گردند. در کشورهایی مانند نروژ با مدیریت صحیح منابع طبیعی و به سبب آن وجود حقایق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد و کیفیت قوانین و مقررات و... فرصت‌های فراوانی برای کارآفرینی ایجاد خواهد کرد که اثر منابع طبیعی بر اقتصاد این کشورها را به خوشبختی می‌رساند. ضریب همبستگی ۰/۸۱۴۷- در جدول (۳) نیز نشان‌دهنده رابطه منفی و قوی بین مدیریت منابع طبیعی و رتبه شاخص فرصت کارآفرینی است که تأییدکننده این موضوع است. حکمرانان می‌توانند با مدیریت منابع طبیعی از فساد جلوگیری کنند و از درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در جهت ایجاد انگیزه در کارآفرینان منجر به بارور شدن خلاقیت‌ها، ترغیب نوآوری، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد و توسعه فناوری و تولید ثروت در جامعه شده و در نهایت شرایط را برای افزایش خوشبختی افراد جامعه فراهم آورند.

۳-۶. ارتباط مدیریت منابع طبیعی با شاخص سلامت

شاخص سلامت به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی در جهت دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی و... هر جامعه است. در حقیقت کشورهایی که در آن افراد جامعه از سلامت جسمی و روحی مناسبی بهره‌مند باشند، از سطوح درآمد بالاتر و رفاه بیشتری برخوردارند، بنابراین خوشبخت‌تر نیز هستند. برای دستیابی به جامعه سالم، نیاز به زیرساخت سلامت قوی است که شهروندان با روح و جسم سالم، زیربنای یک نیروی کار مولد و بهره‌ور که باعث افزایش سطح درآمد سرانه می‌شود را فراهم نمایند. عوامل بسیاری در جهت برابری و نابرابری‌های سلامت افراد جامعه دخیل هستند، برخی عوامل خارج از حیطه‌های اختیارات نظام-های سلامت کشورها است که می‌توان به بی‌سوادی، کمبود درآمد خانوارها به دلیل توزیع

ناعدلانه ثروت، نداشتن آگاهی و شیوه‌های نادرست زندگی و طبقه پایین اجتماعی اشاره نمود. اما برخی عوامل دیگر مانند منابع طبیعی وجود دارد که در حیطه و تحت کنترل حکمرانان است. در واقع درآمد ناگهانی بادآورده از منابع طبیعی برای یک دولت باعث تضعیف سیاست‌های صحیح و عقلایی می‌شود و سیاستمداران سعی در اتخاذ سیاستی دارند که حاشیه امنیتی آنها را بیشتر کند. این امر باعث می‌شود که آنها در پروژه‌هایی غیرضروری سرمایه‌گذاری کنند و سیاست‌های بد را در اولویت قرار دهند و از سیاست‌های مهم و مفید در جهت خوشبختی افراد جامعه مانند سرمایه‌گذاری در طرح‌های سلامت خودداری نمایند، اما بهبود مدیریت منابع طبیعی در کشورهای مانند نروژ و استفاده از ارزش‌های حاصله از صادرات منابع طبیعی در جهت سلامت مردم می‌توان خوشبختی افراد جامعه را بیش از کشورهای که از این نعمت بی‌بهره هستند، تأمین نمود. بنابراین می‌توان دریافت، کشورهایی که مدیریت مناسبی بر منابع طبیعی خدادادی دارند، کنترل بهتری بر شاخص سلامت کشورشان خواهند داشت. ضریب همبستگی $0.74/80$ - در جدول (۳) نیز نشان‌دهنده رابطه منفی و قوی بین مدیریت منابع طبیعی و رتبه شاخص سلامت است که تأییدکننده این موضوع است. در واقع حکمرانان این کشورها می‌توانند با مدیریت درآمدهای حاصل از منابع طبیعی سبب بهبود شاخص سلامت و تقویت زیرساخت‌های آن شده و با شهروندانی سالم زیربنای یک نیروی کار مولد و بهره‌ور که باعث بهبود شاخص‌های خوشبختی می‌شود، را فراهم نمایند.

۶-۴. ارتباط مدیریت منابع طبیعی با شاخص آموزش

آموزش انسان را به سرمایه انسانی تبدیل می‌کند که در برگیرنده مهارت مورد نیاز برای بخش سنتی و بخش مدرن اقتصاد است و قدرت تولیدی اشخاص را بیشتر می‌کند، زمینه افزایش خوشبختی افراد جامعه را فراهم می‌کند ولی در کشورهای با وفور منابع طبیعی و مدیریت ناصحیح مورد غفلت قرار گرفته است. در این کشورها با توسل به منابع طبیعی و بدون اتکا به سرمایه انسانی قادر به گذران امور خود هستند، در حالی که کشورهایی که متکی به منابع طبیعی نیستند، به سایر موارد، همچون توسعه بر مبنای سرمایه انسانی دارند (گیلسون، ۲۰۰۱).^۱ در صورتی که با مدیریت صحیح از منابع طبیعی با عنوان ثروتی خدادادی می‌توان در جهت پرورش

سرمایه انسانی و به کارگیری آن در جهت خوشبختی افراد جامعه به کار برند، در واقع با مدیریت صحیح منابع طبیعی، ثروت منابع طبیعی و سرمایه انسانی (همانند دو بال یک کبوتر) می‌توانند این کشورها را سریعتر از کشورهای فاقد منابع طبیعی به خوشبختی برسانند. ضریب همبستگی ۰/۷۵- در جدول (۳) نیز نشان دهنده رابطه منفی و قوی بین مدیریت منابع طبیعی و رتبه شاخص آموزش است که تأییدکننده این موضوع است. با توجه با اهمیت سرمایه انسانی در جذب و بکارگیری فناوری‌های نوین در جهت توسعه کشورها، در صورت عدم توجه به آموزش و تکیه بر اقتصاد متکی بر منابع طبیعی این کشورها نمی‌توانند به تأمین خوشبختی افراد جامعه برسند.

۵-۶. ارتباط مدیریت منابع طبیعی با شاخص آزادی شخصی

آزادی شخصی از بنیادی‌ترین حقوقی هستند که به طور مساوی در اعلامیه جهانی حقوق بشر، در معاهده‌های بین‌المللی همچون کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و در قانون اساسی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است. آزادی شخصی عملکرد و پیشرفت کشورها را در تضمین آزادی فردی و تشویق تحمل اجتماعی بررسی می‌کند و خوشبختی افراد جامعه را فراهم می‌نماید. از آنجا که در کشورهای غنی از منابع طبیعی اغلب دولت‌ها غیردموکراتیک‌تر از سایر کشورها هستند، در واقع حکمرانان این کشورها به علت وجود ثروت منابع طبیعی خود را مستقل از حمایت مردم می‌دانند و به اظهارنظرهای افراد جامعه بی‌توجه می‌باشند، به عبارتی آزادی شخصی برای این کشورها محدودتر از سایر کشورهاست. اما این کشورها با بهبود مدیریت منابع طبیعی می‌توانند از این ثروت خدادادی در جهت تأمین نسبی خواسته‌های بیشتر افراد جامعه گام بردارند و به افراد آزادی بیشتری در جهت بیان خواسته‌هایشان بدهند. بنابراین حکمرانان با مدیریت منابع طبیعی چنانچه به افراد جامعه فرصت بیان انتقادات و پیشنهادات را بدهند، اثر منابع طبیعی بر اقتصاد به سوی خوشبختی ملت‌ها تغییر می‌کند. ضریب همبستگی ۰/۵۳۳۶- در جدول (۳) نیز نشان‌دهنده رابطه منفی و قوی بین مدیریت منابع طبیعی و رتبه شاخص آزادی شخصی است که تأییدکننده این موضوع است.

۶-۶. ارتباط مدیریت منابع طبیعی با شاخص امنیت

امنیت اقتصادی تأثیر بسزایی بر سایر ابعاد امنیت دارد. چرا که کشوری که امنیت اقتصادی نداشته باشد و در زمینه اقتصادی وابسته باشد در هیچ زمینه‌ای فرصت توسعه پیدا نمی‌کند. در ادبیات اقتصادی رایج و مخصوصاً در طول چند دهه اخیر مباحث زیادی در مورد اهمیت امنیت اقتصادی

مطرح شده است که همگی بر تأثیرات قابل توجهی که امنیت اقتصادی بر رفاه و خوشبختی دارد، تأکید نموده اند. وابستگی به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی به علت تغییر قیمت این منابع در بازارهای جهانی منجر به بی ثباتی و ناامنی اقتصاد این کشورها می شود و امنیت اقتصادی این کشورها را به شدت تحت شعاع قرار می دهد. در صورتی که وفور منابع طبیعی با بهبود مدیریت صحیح منابع طبیعی می تواند امنیت اقتصادی بیشتری را نسبت به کشورهایی که فاقد منابع طبیعی فراوان هستند، فراهم کند چرا که وفور منابع طبیعی می تواند منابع لازم جهت دستیابی به امکانات مورد نیاز در جهت تأمین امنیت اقتصادی را تأمین نماید و از این طریق بر سایر ابعاد امنیت (مالی، اجتماعی، سیاسی و...) نیز تأثیر بگذارد. ضریب همبستگی ۰/۸۷- در جدول (۳) نیز نشان دهنده رابطه منفی و قوی بین مدیریت منابع طبیعی و رتبه شاخص امنیت است که تأیید کننده این موضوع می باشد. با توجه به اهمیت امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر امنیت سایر بخش ها (سیاسی، اجتماعی و...) و همچنین متأثر بودن امنیت اقتصادی از وفور منابع طبیعی، در صورت تضعیف مدیریت منابع طبیعی، خوشبختی افراد جامعه به شدت لطمه خواهد خورد.

۶-۷. ارتباط مدیریت منابع طبیعی با شاخص سرمایه اجتماعی

در سال های اخیر در مورد ارتباط و نقش سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی مطالب بسیاری مطرح شده است. فوکویاما^۱ (۲۰۰۲) معتقد است اندیشمندان بسیاری سرمایه اجتماعی را به عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی در نظر می گیرند. وی منشأ پیدایش نظریه های مربوط به ارتباط بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی را اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی می داند و معتقد است یک تفکر مجدد اما اساسی در مورد مسئله توسعه در این تاریخ شکل گرفت که شامل درک جدیدی نسبت به اهمیت مشارکت عوامل فرهنگی بود و سرمایه اجتماعی ابزاری است که درک نقش این عوامل ارزشی و هنجارها را در زندگی اقتصادی فراهم می کند (عسگری و توحیدی نیا، ۱۳۸۶). از نظر پاتنام^۲ نوع رفتار دولت تأثیر بسزایی بر روند افزایشی و کاهش سرمایه اجتماعی دارد، به طوریکه رویکرد شفاف سازی در حکومت های دموکراتیک موجب افزایش سرمایه اجتماعی و روند محافظه کارانه موجب کاهش سرمایه اجتماعی می شود.

۱- Fukuyama

۲- P. Putnam

یکی از عوامل تولید سرمایه اجتماعی، وابستگی و اعتماد دولت به مردم و مردم به دولت است. دولت تا از همه جهات به مردم متکی نباشد، خود را در موقعیت جلب اعتماد مردم نمی‌بیند، اما وفور منابع طبیعی و وجود درآمدهای نفتی باعث عدم وابستگی دولت به مردم، و همچنین مانع وابستگی قشر منتفع از درآمدهای نفتی به اقشار دیگر شده که این امر باعث کاهش سرمایه اجتماعی خواهد شد (پاتنام، ۲۰۰۰). در واقع حجم عظیم درآمدهای ناشی از عواید منابع طبیعی به ویژه در زمینه حقوق مالکیت غیرکارآمد، بازارهای ناقص و ساختارهای قانونی و نهادی ضعیف، در بسیاری از کشورهای درحال توسعه و اقتصادهای غیربازاری می‌تواند به رانت‌جویی در میان تولیدکنندگان منجر می‌شود که این امر سبب می‌شود تا منابع طبیعی با این انحراف از ایفای نقش مثر ثمر اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی بکاهد (اوتی، ۲۰۰۱)^۱. ضریب همبستگی ۰/۵۳- در جدول (۳) نیز نشان دهنده رابطه منفی و قوی بین مدیریت منابع طبیعی و رتبه شاخص سرمایه اجتماعی است که تأییدکننده این موضوع است.

بررسی ضریب همبستگی^۲ بین رتبه شاخص‌های خوشبختی و میزان مدیریت منابع طبیعی در بین کشورهای منتخب اوپک و نورژ نیز نشان دهنده رابطه قوی و منفی است، به طوری که ضریب همبستگی بین رتبه شاخص کلی خوشبختی و مدیریت منابع طبیعی برای کشورهای منتخب اوپک ۰/۹۱- است و این به معنی ارتباط قوی بین بهبود مدیریت منابع طبیعی و افزایش خوشبختی (یا کاهش رتبه خوشبختی) در بین کشورهای منتخب اوپک است. علاوه بر آن بیشترین و کمترین میزان ضریب همبستگی در بین شاخص‌های خوشبختی در ارتباط با مدیریت منابع طبیعی در کشورهای منتخب اوپک به ترتیب متعلق به شاخص اقتصاد و سرمایه اجتماعی است.

۱- R. Auty

۲- ضریب همبستگی ابزاری برای تعیین نوع و درجه رابطه یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. ضریب همبستگی شدت رابطه و همچنین نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) را نشان می‌دهد. این ضریب بین ۱ تا ۱- است و در عدم وجود رابطه بین دو متغیر، برابر صفر است.

جدول (۳) ضریب همبستگی بین متغیرهای شاخص خوشبختی و مدیریت منابع طبیعی کشورهای منتخب اوپک

آماره	MNR	SC	PF	EDU	GOV	ECO	E&O	H	SS	TPI
MNR	۱/۰۰									
SC	-۰/۵۲۷	۱/۰۰								
PF	-۰/۵۳۴	۰/۲۲۲	۱/۰۰							
EDU	-۰/۷۴۹	۰/۴۱	۰/۲۶۶	۱/۰۰						
GOV	-۰/۸۹۴	۰/۷۲۵	۰/۳۹۷	۰/۶۸۳	۱/۰۰					
ECO	-۰/۸۸۴	۰/۶۰۳	۰/۴۲۱	۰/۷۹۹	۰/۹۱۶	۱/۰۰				
E&O	-۰/۸۱۵	۰/۴۹۶	۰/۲۷۹	۰/۸۰۱	۰/۸۴۶	۰/۹۲۱	۱/۰۰			
H	-۰/۸۰۷	۰/۴۸۷	۰/۲۳۳	۰/۹۳۴	۰/۸۱۶	۰/۸۶۸	۰/۹۰۰	۱/۰۰		
SS	-۰/۸۷۲	۰/۶۲۳	۰/۵۳۸	۰/۷۱۰	۰/۹۳۹	۰/۸۹۵	۰/۸۲۴	۰/۸۱۱	۱/۰۰	
TPI ^۱	-۰/۹۱۱	۰/۶۷۶	۰/۴۹۸	۰/۸۳۴	۰/۹۴۷	۰/۹۶۴	۰/۹۱۳	۰/۹۰۴	۰/۹۴۹	۱/۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسلماً منابع طبیعی فی‌نفسه نمی‌تواند مضر باشد، آنچه اهمیت دارد کیفیت حکمرانی یک جامعه است، که نتیجه نهائی را تعیین می‌کند. به نظر می‌رسد درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در صورتی می‌تواند محرک خوشبختی باشد که اثرات متضاد غیرمستقیم آن به وسیله مدیریت منابع طبیعی کنترل شود. اقتصادی که غنی از منابع طبیعی است و از فساد مالی بالا، سرمایه‌گذاری، رابطه مبادله و استانداردهای آموزشی پایین رنج می‌برد نمی‌تواند از ثروت منابع طبیعی در جهت خوشبختی بهره‌بردارد. هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین تأثیر مدیریت منابع طبیعی بر شاخص خوشبختی است. طبق آمار منتشره از شاخص خوشبختی مؤسسه لگاتوم طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۱ کشورهای امارات متحده عربی و عراق به ترتیب دارای بهترین و ضعیف‌ترین

۱- منظور از TPI شاخص کلی خوشبختی است.

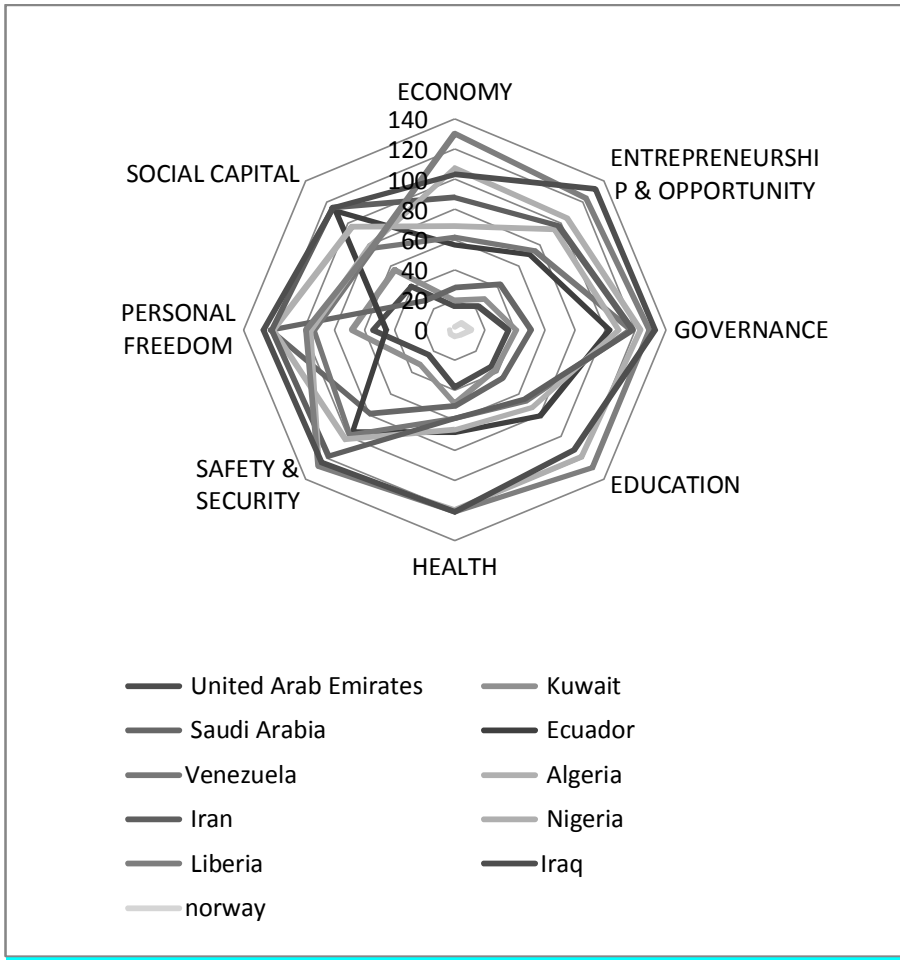
شاخص خوشبختی هستند و طی همین سالها امارات متحده عربی و عراق به ترتیب دارای بهترین و ضعیف‌ترین مدیریت منابع طبیعی بوده‌اند. همچنین بررسی ضریب همبستگی بین رتبه کشورهای منتخب اوپک در شاخص خوشبختی و وضعیت مدیریت منابع طبیعی نیز نشان دهنده رابطه قوی و منفی است به این معنی که بهبود مدیریت منابع طبیعی منجر به کاهش رتبه کشورهای منتخب اوپک در شاخص خوشبختی و بهبود وضعیت خوشبختی می‌گردد، به طوری که ضریب همبستگی بین رتبه شاخص کلی خوشبختی و مدیریت منابع طبیعی برای کشورهای منتخب اوپک ۰/۹۱ - است. علاوه بر آن بیشترین و کمترین میزان ضریب همبستگی در بین شاخص‌های خوشبختی در ارتباط با مدیریت منابع طبیعی در کشورهای منتخب اوپک به ترتیب متعلق به شاخص اقتصاد و سرمایه اجتماعی است، می‌باشد. همچنین آمار نشان می‌دهد کشورهای منتخب اوپک در تمام شاخص‌های خوشبختی فاصله زیادی با نروژ دارند.

در ادامه پیشنهاداتی در جهت بهبود شاخص خوشبختی در کشورهای منتخب عضو اوپک ارائه می‌گردد:

- بهبود شاخص نهادی حکمرانی در کشورهای غنی از منابع طبیعی از طریق راهکارهای ثبات سیاسی، وضع قوانین و مقررات با کیفیت، حاکمیت قانون و راهکارهای کنترل فساد به منظور بهبود مدیریت منابع طبیعی توسط حکمرانان در جهت دستیابی افراد جامعه به خوشبختی و کامیابی؛
- اثر بخشی دولت در هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی به منظور فراهم نمودن زمینه مناسب برای بهبود مدیریت منابع طبیعی در جهت رسیدن به خوشبختی افراد جامعه؛
- افزایش کارایی دولت در بهبود مدیریت صحیح منابع ارزی حاصل از صادرات منابع طبیعی به منظور جلوگیری از برداشت بی‌رویه دولت از فراوانی منابع طبیعی در کشورهای منتخب اوپک؛
- افزایش توانایی دولت جهت ایجاد بسترهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده مطلوب از منابع ارزی حاصل از صادرات منابع طبیعی و در جهت خوشبختی افراد جامعه همه نسل‌ها.

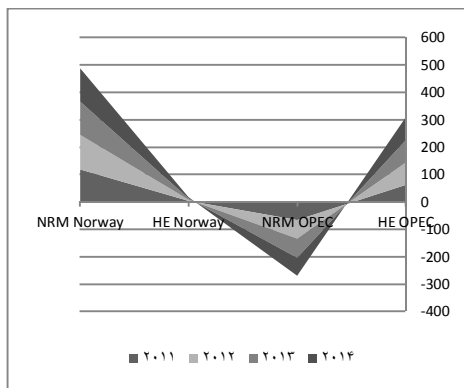
پیوست:

نمودار الف) میانگین رتبه اجزای شاخص خوشبختی
کشورهای منتخب عضو اوپک در مقایسه با نروژ طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۴

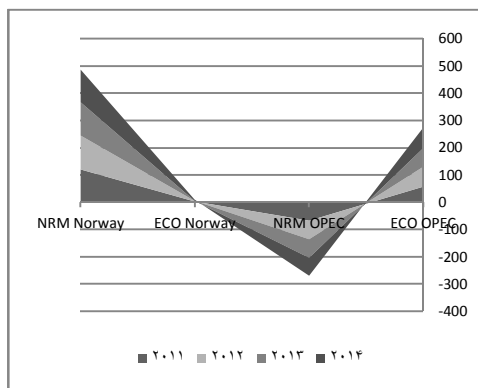


مأخذ: گزارش لگاتوم شاخص خوشبختی ۲۰۱۱-۲۰۱۴

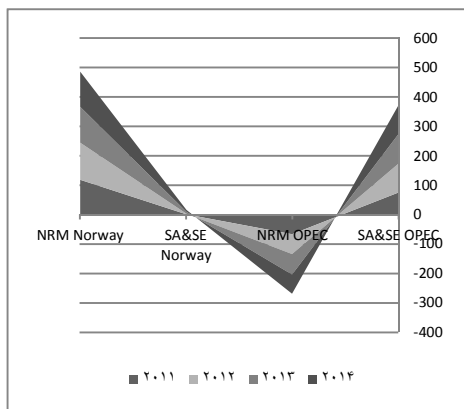
نمودار (ب) ارتباط مدیریت منابع طبیعی و رتبه اجزای شاخص خوشبختی
 کشورهای منتخب عضو اوپک در مقایسه با نروژ طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۴



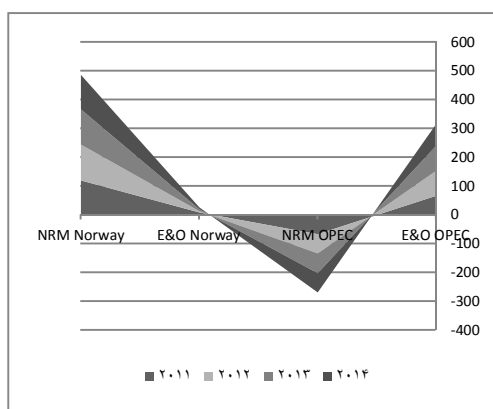
شاخص سلامت



شاخص اقتصاد

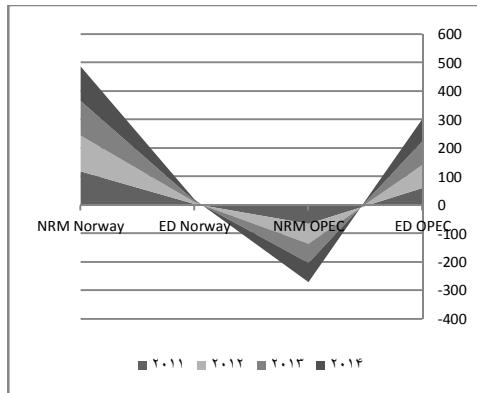
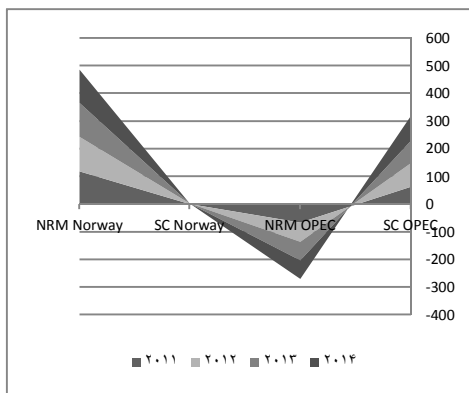
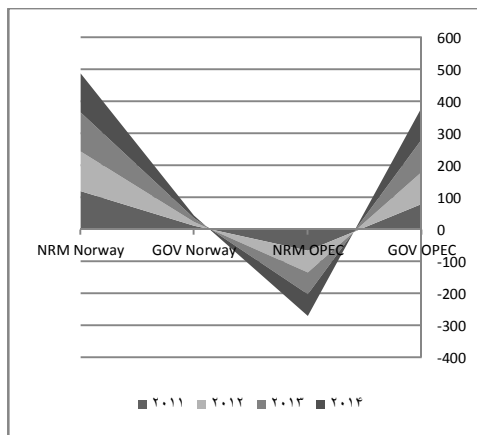
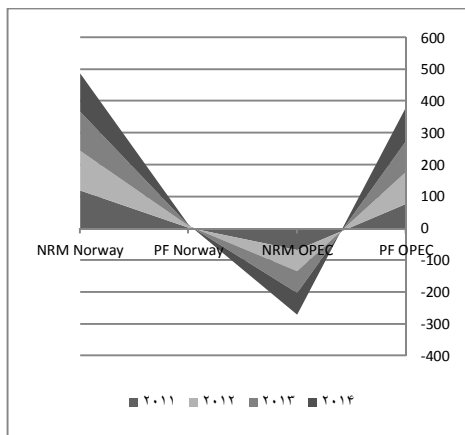


شاخص امنیت



شاخص فرصت کارآفرینی

تأثیر مدیریت منابع طبیعی (از کانال شاخص نهادی حکمرانی) بر شاخص ... ۸۷



ماخذ: www.wdi.org و گزارش لگاتوم شاخص خوشبختی ۲۰۱۱-۲۰۱۴

منابع

- آقایی، مجید؛ رضاقلی‌زاده، مهدیه و باقری، فریده (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران، **فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، سال نوزدهم، شماره ۶۷: ۲۱-۴۴.
 - بهبودی، داود؛ اصغر پور، حسین؛ باستان، فرانک؛ سیف، یزدان (۱۳۹۲)، تأثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی در ایران، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)**، سال سیزدهم، شماره ۳: ۱۰۹-۱۲۴.
 - پورجوان، عبدالله؛ شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ قربان‌نژاد، مجتبی؛ امیری، حسین (۱۳۹۱)، وفور منابع طبیعی بر عملکرد کشورهای برگزیده نفتی و توسعه یافته: رویکرد GMM، **فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی**، سال چهارم، شماره ۱۶: ۱-۳۲.
 - شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ صادقی، حامد (۱۳۹۲)، مقایسه اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی ایران و نروژ، **مدل‌سازی اقتصادی**، سال هفتم، شماره ۲۲: ۲۱-۴۴.
 - عسگری، محمد مهدی؛ توحیدی‌نیا، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی، **دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی**، سال چهارم، شماره ۸: ۱۰۱-۱۲۱.
-
- Acemoglu, D., Simon, J. & James, R. (2004). Institutions as the Fundamental Cause of Long-run Growth, *NBER Working Paper* 10481.
 - Andersen, J. J. & Aslaksen, S. (2008). Constitutions and the Resource curse, *Journal of Development Economics*, 87(2); 227-246.
 - Anshasy, A. A. E. & Katsaiti, M. S. (2015). Are Natural Resources Bad for Health? *Health & Place*, 32(1); 29-42.
 - Anshasy, A. A. E. & Katsaiti, M. S. (2013). Natural Resources and Fiscal Performance: Does Good Governance Matter? *Journal of Macroeconomics*, 37(c); 285-298.
 - Avnimelech, G., Zelekha, Y. & Sarabi, E. (2011). The Effect of Corruption on Entrepreneurship, *European Economic Review*, 51(1); 203-224.
 - Auty, R. (2001). *Resource Abundance and Economic Development*, Oxford University Press, Oxford and New York.
 - Bran, F. (2014). Governance and Investment in the Valuation of Natural Resources, *Journal of Knowledge Management, Economics and Information Technology*, 4(1); 5-17.
 - Behbud, D., Mamipour, S. & Karami, A. (2010). Natural Resource Abundance, Human Capital and Economic Growth in the Petroleum Exporting Countries, *Journal of Economic Development*, 35(3); 81-102.

- Brown, J. & Bird, N. (2011). Bhutan's Success in Conservation: Valuing the Contribution of the Environment to Gross National Happiness, *The Journal of Environment & Development*, 18(2); 177-202.
- Bird, M. R., Martinez-Vazquez, J. & Torgler, B. (2008). Tax Effort in Developing Countries and High Income Countries: The Impact of Corruption, Voice and Accountability. *Economic Analysis & Policy*, 38(1); 55-71.
- Falkinger, J. & Grossmann, V. (2005). Distribution of Natural Resources, Entrepreneurship, and Economic Development: Growth Dynamics with Two Elites. *IZA Discussion Paper* No. 1756.
- Gylfason, Th. (2001). Natural Resources, Education, and Economic Development. *European Economic Review*, 45(4-6): 847-59.
- Libman, A. (2013). Natural Resources and Sub-National Economic Performance: Does Sub National Democracy Matter? *Energy Economics*, 37(1); 82-99.
- Papyrakis, E. & Gerlagh, R. (2007). Resource Abundance and Economic Growth in the United States. *European Economic Review*, 51(4); 1011-1039.
- Putnam, R. (2000). *Bowling alone*, The Collapse and Revival of American Community. New York: Simon and Schuster.
- Tsani, S. (2013). Natural Resources, Governance and Institutional Quality: The Role of Resource Funds. *Resources Policy*, 38(2); 181-195.
- Zeynalo, A. (2013). Do Sufficient Institutions Alter the Relationship Between Natural Resources and Economic Growth? *MPRA Paper* No. 46850.
- <http://www.donya-e-eqtasad.com/news/787961/>
- <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/3881/3900/21757/>